

۳- رابطه تغییرات ارزش دلار آمریکا با تجارت جهانی گندم

از آنجا که بیشترین حجم تجارت جهانی غلات عمدتاً "با دلار آمریکا معامله میشود و نوسانات ارزش دلار خود بعنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر تجارت جهانی غلات با وزنی قابل توجه مطرح میباشد بر آن شدیم تا در این نوشته به جستجوی میزان تاثیر یا همبستگی تغییرات ارزش دلار و تجارت جهانی گندم بپردازیم.

تنزل شدید ارزش دلاری بین سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰ و مصدق شدن آن با افزایش شدید قیمت‌های غلات در بازارهای جهانی و بدنبال آن تقویت ارزش دلار از نیمه سال ۱۹۸۰ تا فوریه ۱۹۸۵ و همزمانی آن با کاهش قیمت‌های جهانی گندم و متعاقب آن کاهش شدید قیمت‌های جهانی گندم همسوبا کاهش ارزش برابری دلار از فوریه ۱۹۸۵ تا اواخر سال ۱۹۸۷، همگی دلالت بر لزوم بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل متعددی را در رابطه با نوسانات ارزش دلار و تجارت جهانی گندم دارد. بهمین منظور در این بررسی به تجزیه و تحلیل عوامل تاثیرگذار بر تجارت جهانی گندم، خصوصاً "ارزش برابری دلار در دهه ۱۹۸۰ می پردازیم.

از اواسط سال ۱۹۸۰ تا فوریه ۱۹۸۵ نرخ برابری دلار آمریکا نسبت به "حق برداشت مخصوص" (SDR) ^(۱) به شدت تقویت شد. بطوری که طی این مدت ارزش برابری آن از ۷۵/۰ "SDR" به نقطه

(۱): "حق برداشت مخصوص" یا "Special Drawing Rights"

دروغله اول بمنظور خنثی سازی اثرات نوسانات دلار در مقابل سایر پولهای اروپائی، ابداع گردید که ابتدائاً "برابری بودیسا (ادامه با ورقه بعد)

اوج ۱/۰۴ " SDR " افزایش یافته، ما پس از آن به گام‌های حتی بیشتر از میزان قبل که تا اواخر سال ۱۹۸۷ نیز ادامه داشت دچار گردید و نرخ برابری آن در مقابل " SDR " و دیگر ارزهای عمده جهانی بشدت تضعیف شد. تا جاییکه در بعضی از روزهای نوامبر ۱۹۸۷ در پایین‌ترین حد خود نسبت به " SDR " به ۰/۷۴ " SDR " برای هر دلار سقوط کرد. دلار آمریکا بر مبنای " SDR " ۲۹ درصد ارزش خود را طی این ۳۳ ماه (فوریه ۱۹۸۵ تا نوامبر ۱۹۸۷) از دست داده است.

در نمودار و جدول شماره ۱، روند نوسانات ارزش دلار نسبت به " SDR " و همچنین قیمت‌های جهانی گندم طی سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۷ نشان داده شده است. اگر اجمالاً به سمت چپ نمودار نظر بیفکنیم در وهله اول استنباط خواهیم کرد که نرخ برابری دلار با قیمت‌های جهانی گندم در دوره ۱۹۷۶-۸۵ رابطه‌ای عمدتاً "معکوس" دارد و اگر به سمت راست نمودار

(۱) ادامه پا ورقی صفحه قبل)

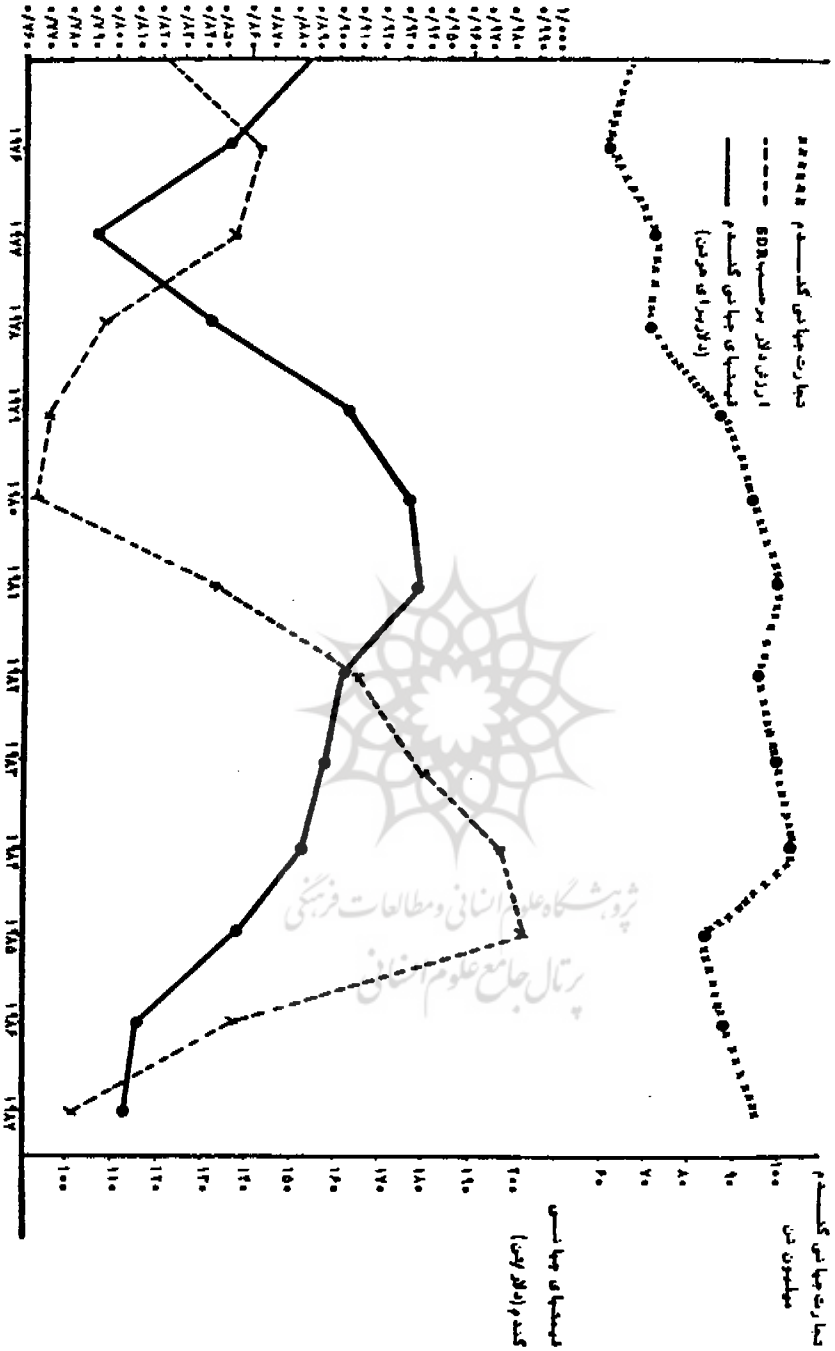
سببی از ارزهای ۱۶ کشوری که صادرات آن‌ها طی سال‌های ۷۲-۱۹۶۸، بیش از یک درصد تجارت جهانی کالاها و خدمات را تشکیل می‌داد، ولی از ابتدای ژانویه سال ۱۹۸۱ صندوق بین‌المللی پول تعداد ارزهای این سبد را به منظور تسهیل در قیمت‌گذاری " SDR " به پول‌های کشورهای صنعتی آمریکا، آلمان، ژاپن، فرانسه و انگلستان محدود نمود. اکنون وزن هر یک از این ارزها در سبد مربوطه به ترتیب عبارت است از ۴۲ درصد دلار آمریکا، ۱۹ درصد مارک آلمان، ۱۵ درصد ین ژاپن، ۱۲ درصد فرانک فرانسه و ۱۲ درصد پوند انگلستان.

(۱): از آنجا که قیمت‌های اقلام مختلف غلات در بازارهای جهانی رابطه‌ای مستقیم و همبستگی مثبتی را با هم دیگر نشان می‌دهند و از آنجا که معاملات گندم، حدود ۴۵ تا ۴۷ درصد تجارت جهانی غلات را تشکیل می‌دهد در این بررسی تنها به تحلیل رابطه نوسانات ارزش دلار و تجارت گندم پرداخته شده است.

نمودار شماره ۱- روند نوسانات قیمت و تجارت جهانی در رابطه با تغییرات ارزش برابری

دلار طی سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۷

" SDR " ارزش دلار بر حسب



ماخذ: جدول شماره ۱ و ۲

نظرکنیم در دوره ۸۷-۱۹۸۵ را رابطه‌ای مستقیم را می‌یابیم و اگر روند کلی نمودار در طول دوره ۸۷-۱۹۷۶ را مدنظر قرار دهیم احتمالاً "عدم ارتباطی منطقی میان نرخ برابری دلار و قیمت‌های جهانی گندم را استنباط خواهیم کرد. اما، آیا براساسی هیچگونه رابطه‌ای بین تغییرات ارزش دلار و قیمت‌های جهانی گندم وجود ندارد و ثانیا " رابطه بین تغییرات ارزش دلار و تجارت جهانی گندم چگونه می‌تواند باشد. اگر با کمی تعمق دوباره به جدول و نمودار فوق‌الذکر نظر بیفکنیم در خواهیم یافت که قیمت‌های جهانی گندم تا دوره منتهی به سال ۱۹۸۵ با رابطه‌ای معکوس به نوسانات ارزش دلار پاسخ گفته‌اند اما وضعیت دوره ۸۷-۱۹۸۵ با دوره قبل به دلایلی که بعداً ذکر خواهد شد، بکلی متفاوت است و قیمت‌های جهانی گندم همزمان با کاهش شدید ارزش دلار طی این دوره، روند نزولی داشته‌اند. اما، چرا و چگونه؟ مطابق قاعده کلی وقتی قیمت‌های یک کالا بر مبنای دلار تعیین می‌شود، گرایش قیمت‌ها نسبت به تغییرات ارزش دلار با رابطه‌ای معکوس خواهد بود. اما میزان عکس‌العمل و همبستگی این دو پارامتر به سایر عوامل و متغیرهای اقتصادی نیز بستگی خواهد داشت. با زار جهانی گندم طی سال‌های مورد بررسی تحت تاثیر عوامل متعددی نظیر میزان عرضه و تقاضای گندم و سایر عوامل خصوصاً " غلات دامی و نوسانات سطح ذخائر آن، میزان تقاضای وارداتی کشورهای واردکننده عمده خصوصاً " چین و شوروی، برآوردهای مختلف از وضعیت جوی، توانائی‌های مالی و وضعیت ترازپرداخته‌های کشورهای در حال توسعه در رابطه با قدرت خرید آنها، برنامه‌های زراعی کشورهای صادرکننده و رقابت‌های تجاری آنها و میزان تسهیلات اعتباری در نظر گرفته شده برای این منظور، خصوصاً " در ایالات متحده آمریکا، اعمال سیاست‌های مختلف تجاری نظیر تغییر نرخ بهره و ... و

با لایحه وضعیت اقتصاد جهانی و عوامل متعدد سیاسی دیگر بوده است که نوسانات ارزش دلار تنها یکی از عوامل موثر بر قیمتها و تجارت جهانی گندم میباشد. بدیهی است که اندازه گیری و تعیین میزان نوسانات این دو پارامتر نسبت به همدیگر کار بسیار مشکل و مشروطی است و در واقع تعداد عواملی که با بستن در تجزیه و تحلیل تجارت جهانی گندم در این رابطه در نظر گرفته شود آنقدر زیاد و گوناگون است که تشخیص و تبیین عملی آن بسیار مشکل است. ولی آنچه مسلم است وجود رابطه بین نوسانات ارزش برابری ارزی که عمده معاملات جهانی بر حسب آن بیان میشود با تجارت جهانی کالاهایی است که با این ارزش معامله میشود. بدیهی است که تغییرات نرخ برابری دلار نسبت به سایر ارزها، در قیمت کالاهایی که به دلار و یا سایر پولها معامله میشوند تاثیر خواهد گذاشت اما این تاثیر صرفاً "یک تأثیر پولی است که به نسبت ارزش برابری هر پول و تغییرات آن در قیمتهای مربوطه، منعکس میشود. اما تغییرات ارزش برابری دلار یک تاثیر واقعی دیگری هم روی سطح کلی قیمتها دارد. بعنوان مثال اگر مظنه قیمتهای کالایی (گندم) بر حسب دلار بیابان شود و نرخ برابری ارزش دلار نظیر سالهای ۸۵-۱۹۸۱ افزایش یابد در وهله اول قیمت آن کالا در تبدیل به سایر ارزها، نشان دهنده افزایش قیمت است. افزایش قیمت این کالا، باعث کاهش تقاضا و تشویق عرضه در خارج از ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای که ارزش آن به دلار وابسته است میشود که این مسئله سطح قیمتها را بسمت پائین سوق خواهد داد و در نهایت قیمتهای دلاری آن کالا (گندم) تنزل خواهند یافت و در صورت عدم تمکین قیمتهای دلاری به این کاهش، قدرت رقابتی آمریکا در صادرات گندم و در نتیجه سهم این کشور در تجارت جهانی گندم کاهش خواهد یافت و لاجرم صادرکنندگان آمریکایی این احساس

را خواهند داشت که در نتیجه تقویت دلار، و در نهایت کاهش تقاضا برای گندم توسط کشورهای واردکننده، یا با یستی سهم کمتری را در صادرات جهانی گندم پذیرا باشند و یا اینکه جهت حفظ سهم خود در بازارهای جهانی ناچار به پذیرفتن قیمت‌های کمتری شوند. که در این صورت رقبای آمریکا قدرت انعطاف‌پذیری بیشتری در تعیین قیمت و حفظ یا افزایش سهم خود در تجارت جهانی خواهند داشت. بهرحال وجود این مکانیسم در مواقع افزایش ارزش دلار، در نهایت منجر به کاهش قیمت‌های دلاری خواهد شد و آنجا که میزان کاهش در قیمت‌های دلاری گندم (در اثر افزایش نرخ برابری دلار) به‌کاهش قیمتی عرضه و تقاضای گندم و همچنین سهم ایالات متحده آمریکا در تجارت جهانی گندم بستگی دارد اهمیت حجم و سهم صادرات گندم توسط ایالات متحده آمریکا در رابطه با این موضوع بیشتر خواهد شد. زیرا نوسانات سطح تجارت و قیمت‌های جهانی گندم تنها به این دلیل نیست که قیمت‌های بین‌المللی گندم نظیر اکثر کالاهای عمده و اولیه دلار بیان می‌شود بلکه به این دلیل نیز هست که این کشور بزرگترین صادرکننده در تجارت جهانی گندم می‌باشد. با توجه به استنباط فوق، اگر مظنه قیمت‌ها در معاملات جهانی برحسب دلار باشد در مواقع افزایش ارزش برابری دلار، هرچه سهم ایالات متحده آمریکا در تجارت جهانی کمتر باشد، کاهش قیمت‌های دلاری بیشتر خواهد بود. از طرفی اگر مظنه قیمت‌ها در معاملات جهانی برحسب ارزهای دیگری غیر از دلار بیان شوند، بهرحال با افزایش نرخ برابری دلار، قیمت‌های دلاری نیز کاهش خواهند یافت، اما این کاهش بستگی به سهم ایالات متحده آمریکا در تجارت جهانی گندم دارد و هرچه سهم این کشور در بازارهای جهانی بیشتر باشد کاهش در قیمت‌ها نیز شدیدتر خواهد بود.

لازم به یادآوری است که اگر قیمت‌ها در معاملات جهانی برحسب

ارزهای دیگری غیر از دلار بیابان شوند در موقع افزایش نرخ برابری دلار
قیمت‌ها بر حساب ارز ملی مربوطه امکان ترقی خواهند داشت. و اگر قیمت‌ها بر-
حسب " SDR " بیان شوند (که دلار را نیز شامل می‌شود) با افزایش نرخ برابری
دلار قیمت‌ها ممکن است بر حسب رابطه بین کاهش قیمت‌های دلاری و افزایش
ارزش دلار، کاهش، افزایش یا بدون تغییر بمانند. البته این رابطه
در نهایت به کشش قیمت‌های دلاری نسبت به تغییرات نرخ برابری و ترکیب
ارزهای درون سیدبستگی خواهد داشت.

برخی مطالعات اقتصادی وجود یک رابطه معکوس بین
نوسانات نرخ برابری دلار و قیمت‌های دلاری کالاها را تا حدی نشان داده است. این
محاسبات دال بر این است که در صورت ثابت بودن سایر شرایط با
۱۰ درصد افزایش در نرخ برابری دلار میتوان انتظار ۵ تا ۷ درصد کاهش در
قیمت‌های دلاری را داشت (نمودار ۱)، بعنوان مثال، سقوط شدید ارزش دلار
بین سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰ مصداق بود با افزایش شدید قیمت‌های جهانی غلات
خصوصاً "گندم و به احتمال زیاد یکی از عوامل عمده در تشدید افزایش قیمت‌های
جهانی میتوانند کاهش ارزش برابری دلار در این سال‌ها باشد. اما عوامل و
پارامترهای موثر بر نوسانات قیمت چنانکه ذکر شد بسیار متنوع و متفاوت
عمل میکنند. بطور کلی در اینگونه مواقع گرایش قیمت‌ها به برآیند عوامل
و پارامترهای تعیین کننده قیمت بستگی خواهد داشت، همانگونه
که موضوع کاهش قیمت‌های جهانی گندم در اوایل سال ۱۹۸۵ بکلی
متفاوت با افزایش قیمت‌های سال‌های قبل بوده است. زیرا
برخلاف سال‌های ۸۰-۱۹۷۷، کاهش ارزش برابری دلار در سال‌های ۸۷-۱۹۸۵
با کاهش شدید در قیمت‌های صادراتی گندم، حتی بر حسب دلار همراه بود

(۱): UNCTAD, Revitalizing Development, Growth and International Trade, Assessment and Policy Options, Report to UNCTAD, VII, (New York, U.N. Pub., 1987), P. 106.

بعنوان مثال، همزمان با کاهش نرخ برابری دلار، قیمت‌های صادراتی برای گندم سخت زمستانی که در سپتامبر ۱۹۸۴ از ۱۵۷ دلار به ۱۵۷ دلار بود، در نوامبر ۱۹۸۷ با ۲۵ درصد کاهش به ۱۱۷ دلار رسید. این تنزل قیمت‌ها بر حسب "SDR" حدود ۴۵ درصد بوده است (از ۱۵۷ "SDR" به ۸۶ "SDR"). یکی از مهمترین عوامل مصادف شدن کاهش ارزش دلار و هم‌زمانی آن با کاهش قیمت‌های جهانی گندم در دوره ۸۷-۱۹۸۵ را می‌توان درماتر عرضه جهانی گندم در این دوره دانست. از طرفی بعضی از این متغیرهای تاثیرگذار بر بازار جهانی فقط توسط ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی موثر واقع می‌شوند. بعنوان مثال، تغییر نرخهای بهره، خصوصا "در ایالات متحده آمریکا که بزرگترین صادرکننده گندم در جهان است، میتواند اثرات قابل ملاحظه و متفاوتی روی کشورهای در حال توسعه بدهد. کاهش نرخ تجارت آنها ایجاد نماید.

اگرچه تاثیر نرخ بهره بر قیمت‌های جهانی گندم پیچیده، متفاوت و چندجانبه است و بیشتر متاثر از وضعیت اقتصاد سطح کلان و کلاً اقتصاد جهانی است اما بعضاً "دیده شده است که با افزایش یا کاهش نرخ بهره روند نوسانات قیمت‌ها تغییر یافته و یا از وضع مورد انتظار فاصله گرفته است. بعنوان مثال در ۲ ماهه آخر سال ۱۹۸۲ درست زمانی که کارشناسان انتظار کاهش هرچه بیشتر قیمت‌ها را به علت فشار عرضه پیش‌بینی می‌کردند کاهش نرخ بهره توسط ایالات متحده آمریکا به همراه افزایش قیمت دیگر کالاها باعث افزایش شدید قیمت گندم در ایالات متحده آمریکا و در نهایت افزایش قیمت‌های جهانی گندم در دو ماهه فوق‌الذکر گردید. اگرچه نرخ بهره مستقیماً در نوسانات قیمت‌ها و

(۱): اگرچه قیمت‌های جهانی گندم در دو ماهه آخر سال ۱۹۸۲ به علت فوق‌الذکر روند افزایشی داشته است اما همانگونه که در جدول شماره ۱ منعکس می‌باشد، میانگین سالانه قیمت‌ها در این سال نسبت به سال قبل کاهش نشان میدهد.

جدول شماره ۱ - ارزش برابری دلار آمریکا بر حسب " SDR " و قیمت‌های جهانی گندم و برنج -
 طول سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۷

سال	واحد	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱
ارزش دلار بر مبنای " SDR "	SDR / دلار	۰/۸۶۶۱	۰/۸۵۶۵	۰/۷۹۸۷	۰/۷۷۲۹	۰/۷۶۸۳	۰/۸۴۸۰
قیمت جهانی (۱) گندم	دلار / تن	۱۳۵	۱۰۵	۱۳۱	۱۶۳	۱۷۶	۱۷۸
قیمت جهانی (۲) برنج	دلار / تن	۲۶۸	۲۸۶	۳۸۲	۳۵۴	۴۴۹	۴۸۹
نسبت قیمت‌های برنج به گندم	-	۲	۲/۷	۲/۹	۲/۲	۲/۶	۲/۷
نرخ بهره سپرده در ایالات متحده آمریکا	متوسط سالانه درصد	۵/۲۶	۵/۵۸	۸/۳۰	۱۱/۲۲	۱۳/۰۷	۱۵/۹۱
سال	واحد	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	* ۱۹۸۷
ارزش دلار بر مبنای " SDR "	SDR / دلار	۰/۹۰۵۷	۰/۹۳۵۴	۰/۹۷۵۶	۰/۹۸۴۸	۰/۸۵۲۳	۰/۷۸۲۰
قیمت جهانی (۱) گندم	دلار / تن	۱۶۲	۱۵۸	۱۵۳	۱۳۸	۱۱۵	۱۱۷
قیمت جهانی (۲) برنج	دلار / تن	۳۰۰	۲۹۰	۲۶۲	۲۲۷	۲۲۵	۲۸۰
نسبت قیمت‌های برنج به گندم	-	۱/۹	۱/۸	۱/۷	۱/۶	۲	۲/۴
نرخ بهره سپرده در ایالات متحده آمریکا	متوسط سالانه درصد	۱۲/۳۵	۹/۰۹	۱۰/۳۷	۸/۰۵	۶/۵۲	-

ماخذ: International Wheat Council , Market Report, (London; December 1987); and International Monetary Fund , International Financial Statistics , Yearbook 1987 , (Washington; August 1987)

- (۱): گندم قرمز سخت زمستانه آمریکا (معمولی - فوب خلیج)
 (۲): برنج سفید ۱۰۰۰ درصد تا یلند (درجه B - فوب بانکوک)

(*) : تا نوامبر ۱۹۸۷

و تجارت جهانی گندم چندان دخالتی ندارد اما با لا بودن نرخ بهره
خصوصاً "در زمان افزایش ارزش دلار خود منشاء بروز مشکلات بیشتری برای
کشورهای در حال توسعه خواهد شد که ذیلاً توضیح داده خواهد شد. بهر حال هر
اقدامی در جهت وضع قوانین حمایتی در سیستم بازرگانی اقتصادی
کشورهای پیشرفته (خصوصاً "صا درکنندگان گندم) میتواند چشم انداز رشد
اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را مخدوش سازد و در نتیجه زایفای
نقش بالقوه آنها در تجارت غلات جلوگیری نماید.

همانگونه که ذکر شد رکود یا رونق اقتصادی جهانی یکی دیگر از
عوامل موثر در تجارت جهانی کالاها و خصوصاً "گندم میباشد. زیرا متقاضیان
جهانی گندم، بجز اتحاد جماهیر شوروی، عمدتاً "جزو کشورهای در حال
توسعه نظیر چین، پاکستان، مصر و... هستند. بدیهی است که بحران جاری
اقتصاد جهانی و مشکلات موازنه پرداختهای بسیاری از کشورهای در حال
توسعه ناشی از فشار سنگین قروض و بازپرداخت بهره آنها بر نرخهای بالا و
سطح نازل قیمت کالاهای صادراتی در کشورهای در حال توسعه، عدم
رونق صادرات، نوسانات نرخ برابری ارزها، همچنین در دسترس
نبودن امکانات بازاریهای مالی و افزایش پیمانهای ناشی از
سیاستهای حمایتی در کشورهای پیشرفته موجب از هم گسیختگی تجارت
بین المللی شده است. و از آنجا که با پرداخت قروض خارجی زیاد توسط
کشورهای در حال توسعه با نرخهای بهره بالا عمدتاً "به دلار میباشد و هم
چنین تجارت بین المللی مواد اولیه (خصوصاً "غلات و نفت) اکثراً "با
دلار صورت میگیرد و این کشورها دارای مقدار اندکی ذخایر طلا و ارزهای
خارجی برای تامین احتیاجات وارداتی خود هستند و اغلب بارای
کسری موازنه تجاری و کسری موازنه پرداختهای قابل ملاحظه ای
هستند، در نتیجه از تقویت ارزش دلار (حتی اگر صادر کننده کالای مثل

نفت باشند که در معاملات بین المللی به دلار انجام میشود) بعضاً " به زحمت و تنگنا می افتند. به عبارت دیگر تقویت ارزش دلار اگرچه این واقعیت را که کشورهای واردکننده جهت تامین نیازهای خود مجبور به پرداخت قیمت‌های بیشتری بر حسب پول خودشان هستند را نشان میدهد، اما در اینگونه مواقع علی‌رغم احتیاج آنها به واردات بیشتر - به علت وجود تنگناهای فوق‌الذکر - بجای تحمل هزینه بیشتر برای واردات از حجم آن به نفع کالاهای پراهمیت ترمی کاهند. اینگونه ملاحظات مالی نه تنها توسط کشورهای در حال توسعه، بلکه توسط بزرگترین کشور واردکننده غلات در جهان یعنی اتحاد جماهیر شوروی نیز مدنظر قرار می‌گیرد و بعضاً "مشاهده شده است که قیمت‌های پائین طلا و تنزل موقعیت بازاری نفت و در نتیجه محدود شدن درآمد صادراتی شوروی از این منابع، همزمان با ترقی ارزش دلار بر حجم واردات غلات این کشور تاثیر گذاشته است. البته با توجه به اهداف مشخص و از قبیل برنامهریزی شده در الگوی مصرف (مواد پروتئینی و لبنی) کشورهای با برنامه‌ریزی متمرکز، این گونه محدودیتها کمتر موجب و مانعی برای خرید غلات شده اند زیرا خرید دلار توسط اتحاد جماهیر شوروی نه تنها برای تامین مالی قراردادهای غلات بلکه برای تقویت ارزش ذخایر دلاری این کشور نیز صورت می‌گیرد. اما از آنجا که کشورهای در حال توسعه از مورد نیاز خود را برای واردات غلات از راه صادرات مواد اولیه و محصولات ساخته شده‌ای که عموماً "به دلار قیمت گذاری شده اند بدست می‌آورند و این قیمت‌ها از اوایل دهه ۱۹۸۰ به علت شرایط رکود اقتصادی در کشورهای صنعتی اکثراً "در سطح بسیار پائینی بوده اند و به همین دلیل برگشت و عایدات واقعی صادرات کشورهای در حال توسعه طی این سالها در حد بسیار پائینی بوده است.

تا آنجا که آنها برای جبران کسری پرداختهای تجاری خود بعضاً "ناچار به استقرار دلار نیز شدند. اگرچه دلار تضعیف شده ممکن بود به آنها کمک نماید اما استقرار دلار در یک زمان (۱۹۸۵) و باز پرداخت آن در آینده خصوصاً "موقعی که دلار از استحکام زیادی برخوردار شد (سال ۱۹۸۵)، این کشورها را بسیار در زحمت افکند. این مسئله در سطح تقاضای این کشورها برای گندم، خصوصاً "بعد از سال ۱۹۸۵، بشدت تاثیر گذاشت و به علت همزمانی آن با مازاد عرضه طی سالهای ۸۷-۱۹۸۵، علت عمده ای شد برای کاهش قیمتهای جهانی گندم همزمان با تنزل ارزش دلار در یک راستا. (نمودار ۱) قابل ذکر است که نرخ برابری پول رایج خلیسواز کشورهای در حال توسعه در طول سالهای ۸۷-۱۹۸۵ که دلار در حال تنزل بود - بعضاً "نسبت به دلار آمریکا حتی کاهش نیز یافته است، که این عمدتاً "در نتیجه تورم قیمتهای داخلی بوده است. بعنوان مثال موقعی که استرالیا آرژانتین نسبت به دلار آمریکا شدیداً "کاهش یافت، عایدات واقعی تولیدکنندگان گندم نیز در نتیجه تورم قیمتهای داخلی کاسته شد. مطالعات نشان میدهد که از میان ۲۰ کشور در حال توسعه که واردات سالانه غلات آنها بطور متوسط در سالهای ۸۵-۱۹۸۴ تا ۸۷-۱۹۸۶ حداقل یک میلیون تن بوده است و اطلاعات مربوط به نرخ برابری پول رایج آنها قابل دسترس می باشد. از اوایل سال ۱۹۸۵ تا اواسط ۱۹۸۷ نرخ برابری پول شش کشور نسبت به دلار آمریکا افزایش و نرخ برابری پول ۱۲ کشور نسبت به دلار آمریکا کاهش و نرخ برابری دو کشور نیز بدون تغییر باقی مانده است. کشورهایی که نرخ ارز آنها کاهش یافته بود عمده ترین کشورهای واردکننده غلات نظیر چین، مصر، عربستان سعودی، برزیل و مکزیک را شامل می شد. از طرفی اگر تاثیر این عامل، با وزن متناسبش را در تجارت گندم در نظر بگیریم

این مسئله گواه کوچکی خواهد بود بر شتاب در افزایش واردات کشورهای در حال توسعه در دوره سقوط دلار، خواه نرخ برابری پول این کشورها نسبت به دلار کاهش یا افزایش یابد. بعنوان مثال، واردات غلات توسط کشورهای در حال توسعه از ۹۵ میلیون تن در سال ۱۹۸۵ به ۱۱۲ میلیون تن در سال ۱۹۸۷ افزایش یافته است در حالی که واردات غلات کشورهای توسعه یافته طی همین مدت از ۸۳/۵ میلیون تن به ۸۱ میلیون تن کاهش نشان میدهد و سهم واردات غلات توسط کشورهای در حال توسعه طی این مدت از ۵۳ درصد واردات جهانی به ۵۸ درصد افزایش یافته و حال آنکه طی همین مدت سهم کشورهای توسعه یافته از ۴۷ درصد به ۴۲ درصد کاهش یافته است. از طرفی طی سالهای ۸۵-۱۹۸۵- که دوره استحکام و تقویت ارزش دلار آمریکا بوده است - واردات کشورهای در حال توسعه با تغییر ناچیزی از ۹۷/۵ میلیون تن به ۹۵/۳ میلیون تن کاهش یافته است که علت را میتوان در غیر حساس بودن تقاضا برای واردات غلات، خصوصاً "گندم"، بالاخص در مواقع افزایش پی در پی ارزش دلار جستجو کرد. در این رابطه نمودار شماره ۱ تصویرگویا تری از رابطه بین تجارت جهانی گندم و ارزش دلار را نشان میدهد. همانگونه که در نمودار فوق الذکر مشهود است طی دوره مورد بررسی، تجارت جهانی گندم (بجز در سالهای ۱۹۸۱، ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ که مصادف با سالهای تقویت پی در پی و شدید ارزش دلار بوده است) با تغییرات ارزش دلار رابطه ای معکوس داشته است. علت اصلی همسویی رابطه تجارت جهانی گندم با ارزش دلار نیز طی این ۳ سال علاوه بر

(1): Food and Agriculture Organization of the United Nations, Food Outlook Statistical Supplement, 1986. (Rome, 1987). P.22 and Food Outlook, December 1987, P.2.

مسئله فوق الذکر دخالت برآیند کلیه عوامل موثر سابق الذکر در تجارت جهانی گندم نیز می باشد.

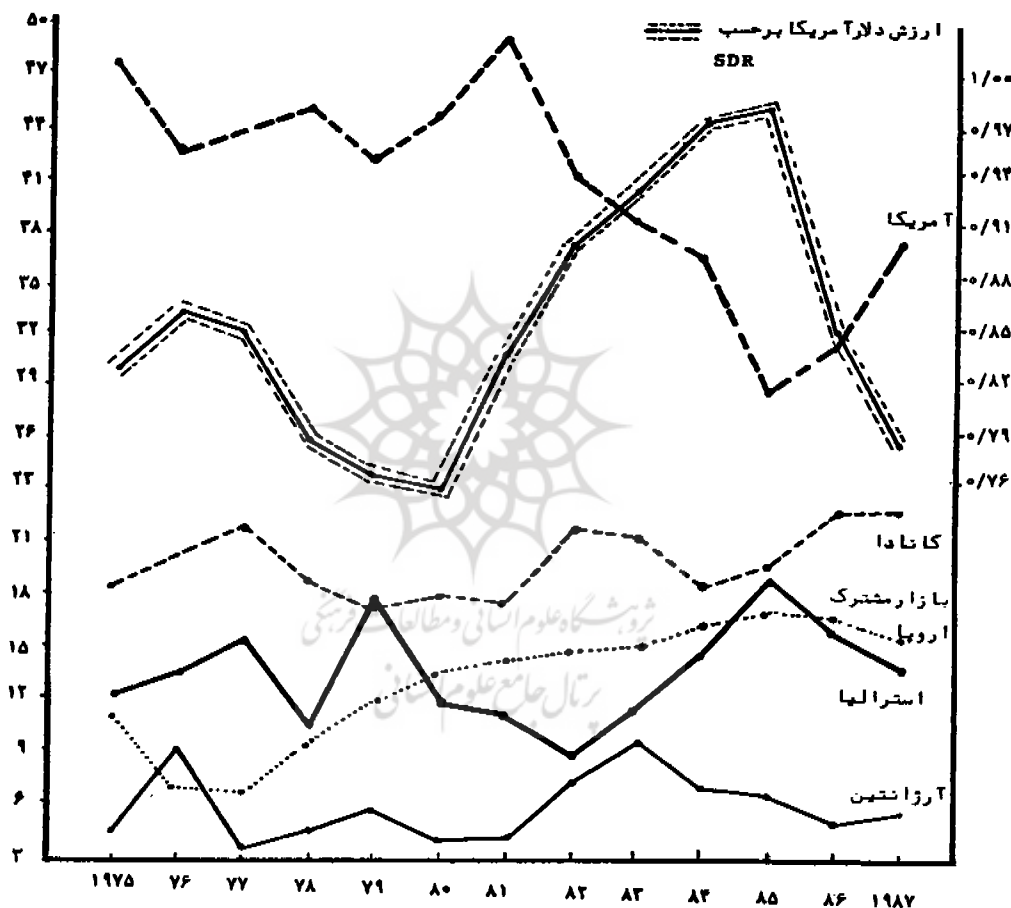
اما تاثیر تغییر نرخ برابری ارزها در میان کشورهای صادرکننده گندم چگونه خواهد بود. اگر ارزش دلار آمریکا نسبت به پول سایر کشورهای صادرکننده گندم کاهش یا بدمشخص خواهد بود که رقابت برای اینگونه کشورها در بازارهای جهانی بسیار مشکل خواهد شد زیرا افزایش قدرت رقابتی آمریکا در صادرات گندم را باعث خواهد شد. واضح است که بهمان میزان که تقویت ارزش دلار طی سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ برای بعضی کشورهای صادرکننده رقیب آمریکا (بیشتر استرالیا و آرژانتین) نفع داشته و موجب افزایش بیشتر درآمد آنها به پول ملی آن کشورها شده است بهمان نسبت نیز صادرات کنندگان آمریکایی بخاطر افزایش ارزش دلار آسیب دیده اند. زیرا علیرغم تمامی کمکهای که تولیدکنندگان غلات (خصوصاً آمریکا و بازار مشترک اروپا) از ناحیه برنامه های دولتی دریافت میدارند، درآمدنهای آنها وابسته به بازارهای جهانی و قیمتهای صادراتی است. زیرا قیمتهای واقعی از قیمتهای صادراتی متفاوت اند و قیمتهای صادراتی مبالغی نظیر کمکهای صادراتی، تمهیدات اعتباری و دیگر مواردی از این قبیل را که رقم واقعی قیمت را بسیار کمتر میکنند، را نیز شامل میشود. بعنوان مثال افزایش ارزش دلار در مقطعی از سال ۱۹۸۴ قیمتهای گندم در بازار مشترک اروپا را به حدود قیمتهای جهانی تغییر داد بطوری که عملاً نیاز به بازپرداختهای صادراتی را در فروش به کشورهای ثالث منتفی نمود. و این بازار قادر شد صادرات غله را با کمکهای نزدیک به صفر انجام دهد. بدیهی است که این تحول منجر به سهم بیشتر صادرات گندم توسط بازار مشترک اروپا گردید، اما حدود اکتبر ۱۹۸۷ حداکثر کمکهای صادراتی

که برای گندم معمولی پرداخت شده با لای ۱۵۰ دلار برای هرتن نیز رسید. بنا بر این، قدرت رقابتی صادرات درکنندگان آمریکا نیز بر حسب تغییرات ارزش دلاری سالهای مورد بررسی دستخوش تغییرات زیادی بوده است و به تبع آن درآمد حاصل از صادرات گندم در این کشور و همچنین سهم این کشور در بازار جهانی دچار نوسان شده است. بعنوان مثال، طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ که ارزش برابری دلار و به افزایش قیمت‌های جهانی گندم روبه‌کاهش بوده اند حجم صادرات ایالات متحده آمریکا در تجارت جهانی گندم با حدود ۵۷ درصد کاهش از حدود ۴۲ میلیون تن به حدود ۲۴ میلیون تن کاهش یافته است، در حالی که درصد کاهش سهم این کشور از لحاظ ارزش طبیعتاً "نمی‌تواند کمتر از این مقدار باشد (نمودار ۲). این ارقام برای استرالیا طی همین مدت از لحاظ تناژ حدود ۴۶ درصد و از لحاظ ارزش حدود ۱۴ درصد افزایش نشان می‌دهد، طی این مدت صادرات گندم استرالیا به بازارهای جهانی از ۱۱ میلیون تن به ۱۶/۱ میلیون تن رسید و علیرغم کاهش قیمت‌های جهانی از ۱۷۶ به ۱۳۸ دلار برای هرتن، طی این مدت ارزش صادرات این کشور از ۱/۹ میلیارد دلار به ۲/۱ میلیارد دلار افزایش یافت. بدیهی است که این رقم افزایش با در نظر گرفتن افزایش ارزش دلار پس از تبدیل درآمدهای دلاری به پول رایج این کشور، درآمدهای حاصله این کشور به دلار استرالیا را با افزایش بیش از این میزان مواجه ساخته است. نمودار شماره ۲ و جدول ۲ و ۳ بطور نسبی گویای کاهش سهم تجاری آمریکا در صادرات گندم (بلاحظه مقدار) و افزایش سهم سایر کشورهای صادرکننده گندم در مواقف افزایش ارزش دلار می‌باشد. بعنوان مثال، کاهش سهم آمریکا در صادرات جهانی گندم از حدود ۴۹ درصد به ۲۸/۸ درصد طی سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ و افزایش سهم استرالیا طی همین مدت از ۱۱/۳ درصد به ۱۹/۱ درصد،

جدول شماره ۲- روند سهم صادرات کنندگان عمده گندم در بازارهای جهانی در
 رابطه با نوسانات ارزش دلار ۱۹۷۵-۱۹۸۷

درصد (سهم)

ارزش دلار بر حسب " SDR "



ماخذ: جدول شماره ۲.

همچنین افزایش سهم آرژانتین در صادرات جهانی گندم از ۴/۲ درصد به ۷/۲ درصد قابل ذکر است. در این دوره همچنین سهم کشورهای عضو بازار مشترک اروپا (و نیز سهم کشورهای نادر علی‌رغم کاهش میزان حجمی آن) در صادرات جهانی گندم افزایش داشته است. (جدول ۳ و ۲) از طرفی طی سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷ که نرخ برابری دلار مسیری نزولی را طی مینماید افزایش سهم آمریکا در صادرات جهانی گندم و کاهش سهم دیگر کشورهای صادرکننده گندم (نمودار شماره ۲) قابل مشاهده است. طی این مدت سهم صادرات گندم آمریکا در جهان از ۲۸/۸ درصد به ۳۷/۳ درصد افزایش می‌یابد حال آنکه سهم کشورهای استرالیا و آرژانتین به ترتیب از ۱۹/۱ و ۷/۲ درصد به ۱۳/۷ و ۴/۹ درصد کاهش می‌یابد و سهم بازار مشترک اروپا نیز از ۱۶/۹ به ۱۵/۲ درصد کاهش می‌یابد.

البته همانگونه که ذکر شد نوسانات نرخ برابری دلار با توجه به سایر عوامل و شرایط موثر در بازارهای جهانی و با وزن مربوط به خود در افزایش یا کاهش سهم صادرات کشورهای صادرکننده گندم میتواند موثر واقع شود و چه بسا بیشترین نوسانات به عوامل دیگری غیر از کاهش یا افزایش ارزش دلار نسبت داده شود. بعنوان مثال، برنامه توسعه صادرات آمریکا (E.E.P.)^(۱) بی‌شک نقش مهمی را در افزایش صادرات آمریکا طی دوره ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷ بعهده داشته است و جالب آنکه سهم ایالات متحده آمریکا در صادرات ذرت که در برنامه هفتاد و هشتاد و هشتاد و نه سال "E.E.P." نبوده است از ۷۳ درصد مربوط به سال ۱۹۸۴-۸۵ به ۶۲ درصد در سال ۱۹۸۵-۸۶ کاهش یافته است. علی‌رغم اینها نمی‌توان ارتباط ارزش دلار با تجارت جهانی غلات را منکر شد. از این گذشته صادرات ذرت آمریکا ظرف دو سال فوق‌الذکر می‌بایستی با عرضه

(۱) Export Enhancement Programme: (E.E.P): (۱)

جدول شماره ۲- صادرات گندم کشورهای عمده در گذشته طی سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۷

واحد: میلیون تن

کشور سال	آرژانتین	استرالیا	کانادا	بازار مشترک اروپا	آمریکا	شوروی	سایر	جمع
۱۹۷۵/۷۶	۳/۱	۸/۱	۱۲/۱	۷/۷	۳۱/۵	۱	۳	۶۶/۵
۱۹۷۶/۷۷	۵/۶	۸/۴	۱۲/۹	۳/۹	۲۶/۳	۱/۴	۳/۲	۶۱/۸
۱۹۷۷/۷۸	۲/۷	۱۱/۱	۱۵/۹	۴/۵	۳۱/۵	۱/۴	۵/۳	۷۲/۴
۱۹۷۸/۷۹	۳/۳	۷/۲	۱۳/۵	۷/۴	۳۲/۴	۲/۵	۵/۴	۷۱/۷
۱۹۷۹/۸۰	۴/۷	۱۵/۴	۱۵	۱۰/۳	۳۶/۳	۰/۵	۵/۳	۸۶
۱۹۸۰/۸۱	۳/۹	۱۱/۱	۱۷	۱۲/۷	۲۲/۱	۰/۸	۶/۴	۹۴
۱۹۸۱/۸۲	۴/۳	۱۱/۴	۱۷/۸	۱۴/۰	۴۹/۳	۰/۵	۳/۵	۱۰۰/۷
۱۹۸۲/۸۳	۷/۵	۸/۵	۲۱/۱	۱۴/۱	۳۹/۳	۰/۴	۵	۹۶/۱
۱۹۸۳/۸۴	۹/۶	۱۱/۶	۲۱/۲	۱۴/۹	۳۸/۳	۰/۵	۴/۱	۱۰۰/۳
۱۹۸۴/۸۵	۸	۱۵/۱	۱۹/۱	۱۷/۲	۳۸/۲	۰/۸	۵/۴	۱۰۴/۱
۱۹۸۵/۸۶	۶/۱	۱۶/۱	۱۶/۷	۱۴/۳	۲۴/۳	۱	۶	۸۴/۲
۱۹۸۶/۸۷	۴/۳	۱۴/۵	۲۰/۴	۱۵	۲۸/۳	۱	۶/۱	۸۹/۶
۱۹۸۷/۸۸	۴/۷	۱۳	۲۱/۶	۱۴/۵	۳۵/۵	۱	۲/۷	۹۵

منبع: Food and Agriculture Organization of the United Nations, Food Outlook, different issues. (Rome:FAO Pub., 1979-87).

جدول شماره ۳- سهم کشورهای مختلف صادرکننده در صادرات جهانی گندم طی سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۷

واحد: درصد بر حسب مقدار

سال	کشور	آرژانتین	استرالیا	کانادا	بازار مشترک اروپا	آمریکا	سوروی	سایر	جمع
۱۹۷۵/۷۶	۲/۶	۱۲/۱	۱۸/۲	۱۱/۶	۲۷/۲	۱/۵	۴/۶	۱۰۰	
۱۹۷۶/۷۷	۹	۱۳/۶	۲۰/۸	۶/۲	۴۲/۷	۲/۲	۵/۲	۱۰۰	
۱۹۷۷/۷۸	۳/۷	۱۵/۲	۲۱/۹	۶/۲	۴۳/۵	۱/۹	۳/۱	۱۰۰	
۱۹۷۸/۷۹	۴/۶	۱۰	۱۸/۸	۱۰/۳	۲۵/۲	۳/۵	۷/۵	۱۰۰	
۱۹۷۹/۸۰	۵/۴	۱۷/۹	۱۷/۲۴	۱۱/۹	۲۲/۲	۰/۶	۶/۱	۱۰۰	
۱۹۸۰/۸۱	۴/۱	۱۱/۸	۱۸	۱۳/۵	۲۴/۸	۰/۸	۶/۸	۱۰۰	
۱۹۸۱/۸۲	۴/۲	۱۱/۳	۱۷/۶	۱۳/۹	۲۸/۹	۰/۴۹	۳/۴	۱۰۰	
۱۹۸۲/۸۳	۷/۸	۸/۸	۲۱/۹	۱۴/۶	۲۰/۹	۰/۳۱	۵/۲	۱۰۰	
۱۹۸۳/۸۴	۹/۵	۱۱/۵	۲۱/۱	۱۳/۸	۳۸/۲	۰/۵	۴	۱۰۰	
۱۹۸۴/۸۵	۷/۶	۱۲/۵	۱۸/۳	۱۶/۵	۳۶/۷	۰/۷	۵/۲	۱۰۰	
۱۹۸۵/۸۶	۷/۲	۱۹/۱	۱۹/۸	۱۶/۹	۳۸/۸	۱/۲	۷/۱	۱۰۰	
۱۹۸۶/۸۷	۲/۸	۱۶/۲	۲۲/۷	۱۶/۷	۳۱/۶	۱/۱	۶/۹	۱۰۰	
۱۹۸۷/۸۸	۴/۹	۱۳/۷	۲۲/۷	۱۵/۲	۳۷/۳	۱	۵/۲	۱۰۰	

منبع: Food and Agriculture Organization of the United Nation, Food Outlook different, issues. (Rome : FAO , Pub .1976-87).

گندم دامی که با قیمت‌های پائین و از چندین منبع عرضه می‌شدند رقابت نماید، از طرفی افزایش سهم صادرات گندم آمریکا و کانادا طی سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷ بیشتر ملهم از افزایش تقاضا و محدود بودن عرضه گندم با کیفیت مرغوب (High-quality) بوده است تا عوامل دیگر، زیرا این دو کشور به ترتیب و عملاً تنها منبع آزاد تامین این نوع گندم در جهان میباشند. البته تضعیف دلار کانادا نسبت به دلار آمریکا در اوایل سال ۱۹۸۶ و تقویت مجدد آن در این ارتباط بی‌تاثیر نبوده است.

اگرچه تضعیف دلار آمریکا میتواند معنای کاهش هزینه واردات گندم و سایر غلات اساسی که جهان سوم متحمل آن است، باشد اما با عنایت به اینکه رشد مصرف گندم در کشورهای در حال توسعه بیش از رشد تولید آن است و خریدهای این کشورها طی سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۷ بسا ۲۵ میلیون تن افزایش حدود ۶۵ درصد رشد نشان میدهد و با توجه به اینکه بسیاری از این کشورها تنها با کاهش میزان واردات کالاهای اساسی ضرورت کمتر تقاضای این مقدار افزایش در واردات گندم خود بوده‌اند، غیرحساس بودن تقاضا برای واردات گندم، علی‌رغم تمامی نوسانات قیمتی، در رابطه با نوسانات ارزش دلار نسبتاً آشکار می‌گردد.

اگرچه با سقوط ارزش دلار فشار روی واردکنندگان تا حدودی از بین خواهد رفت اما کاهش اخیر ارزش دلار ممکن است تاثیر قابل توجهی در تجارت جهانی غلات نداشته باشد زیرا همانگونه که در سالهای اخیر شاهد بوده‌ایم هرگونه نفعی را که کشورهای در حال توسعه واردکننده گندم میتوانند از قیمت‌های پائین غلات کسب نمایند، بوسیله کاهش عایدات و درآمدهای صادراتی مواد اولیه و کالاهای ساخته شده توسط این کشورها - که با دلار معامله میشوند - (در اکثرکاهش ارزش دلار) خنثی

گردید.

هم‌اکنون از مهم‌ترین موارد موثر و قابل پیش‌بینی در چشم‌انداز تجارت جهانی غلات را میتوان تا حدود زیادی تغییرات در نرخ بهره ———— خصوصا "در ایالات متحده آمریکا و همچنین اعمال بیشتر سیاست‌های حمایتی توسط کشورهای پیشرفته صنعتی در نتیجه مشکلات مالی و بودجه‌ای دانست.

مآخذ:

- 1- International Wheat Council, Market Report , London, December, 1987.
- 2- International Wheat Council , World Wheat Statistics , 1986. London, October, 1986.
- 3- Food and Agriculture Organization of the United Nations, Food Outlook , Statistical Supplement 1986, Rome, 1987.
- 4- Food and Agriculture Organization of the United Nations, Food Outlook, Rome, December , 1987.
- 5- UNCTAD, Revitalizing Development, Growth and International Trade , Assessment and Policy Options, Report to UNCTAD VII, U.N. Pub , New York , 1987.
- 6- International Monetary Fund, International Financial Statistics , Yearbook 1987, Washington , July, 1987.